

«فرهیختگان» از تبلیغات معکوس فیلم‌ها و میزان نارضایتی مخاطبان پس از تماشای هر فیلم گزارش می‌دهد

فیلم‌فروشی با فریب تبلیغاتی



مجتبی اردشیری

روزنامه‌نگار

پس از موج گسترده تبلیغات دروغینی که سال‌هاست در شبکه‌های ماهواره‌ای به راه افتاده و از کرم جوان‌کننده تا قرص‌های لاغری، افزایش قد و... را شامل می‌شود، حالا گویا فیلم‌های سینمایی نیز به تاسی از این شکل تبلیغات، فاز جدیدی از تبلیغات را آغاز کرده‌است. از ابتدای سال گذشته که پردیس‌های سینمایی بسیاری به مجموعه سینمایی کشور اضافه شد، اکران مردمی که تا پیش از آن، به شکل محدودی رونق گرفته بود، با رشد افسارگسیخته‌ای برای تقریباً تمامی فیلم‌ها و حتی آثار گروه هنر و تجربه مواجه شد. این یک حرکت تبلیغاتی سالم و موجه بود که در شهرستان‌ها نیز با اقبال قابل توجهی همراه می‌شد و آشکارا بر میزان فروش فیلم‌ها، تاثیر مثبت می‌گذاشت. هر چند این اکران‌های مردمی در ماه‌های اخیر با کندی عجیبی توأم شده اما فاز دوم تبلیغات سینمایی، در شبکه‌های مجازی آغاز شد. در این روند، تیزرهای کوتاه یک دقیقه‌ای از فیلم‌ها و پشت‌صحنه آنها در شکل وسیعی از شبکه‌های مجازی منتشر و با اقبال بالایی از سوی مخاطب مواجه می‌شدند. این اتفاق، عملاً هزینه‌های تبلیغات یک فیلم را کاهش و صاحبان آثار را از بیلبورد‌های شهری و شبکه‌های تلویزیونی به کانال‌های مجازی سوق داد. حضور در فضای مجازی شکل تبلیغاتی خوبی است که به دلیل کارایی و کم هزینه بودن آن، هم چنان پرقدتر از س‌وی تهیه‌کنندگان آثار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اما در شرایطی که احساس می‌شد اکران‌های مردمی و تبلیغات مجازی، به‌عنوان چاشنی‌های اساسی در تغییر دانش و سلیقه مخاطب، سبب دیده شدن یک فیلم شود، برخی ایده‌پردازان به‌نوعی، شیوه تبلیغات معکوس» را برای آثار خود برگزیده و ترجیح دادند تا دایره گسترده‌تری از مخاطبان را متوجه اکران آثارشان کنند. ایده‌ای که در ابتدا به شکلی کاملاً کلاسیک، به تصاویر ویدئوهایی از چند سانس شلوغ یک فیلم اختصاص داشت و این القار را در پی می‌آورد که مخاطبان، استقبال باشکوهی از فیلم به عمل آورده‌اند اما کم‌کم به سیاست‌های پشت‌پرده برای فریب مخاطب تبدیل شد و در این مسیر متدهایی نظیر جدال با تلویزیون به بهانه عدم تخصیص تیزر یا ممیزی به نام یا چهره یک بازیگر آن اثر، پرداخت پول و سکه به برخی سینماداران برای در نظر گرفتن سانس‌های بیشتر یا تخصیص اکران‌های فوق العاده ... و به کار گرفته شد. این شکل تبلیغات غیرسالم حتی به چشم و هم چشمی فیلم‌ها در سانس‌های فوق العاده شبانه هم منجر شد و زمینه به گونه‌ای رقم خورد که در عصر هر روز، اسامی و تعداد

گزارش



عاطفه جعفری

روزنامه‌نگار



«سرشام گریه نکند، غذا را به مردم زهر نکنین. سماور بزرگ و استکان نعلیکی هم به قدر کفایت داریم. راه نیتین دوره در و همسایه پی طرف و ظروف. آبروداری کنین بچه‌ها، نه با اسراف. سفره از صفای میزبان خرم می‌شه، نه از مرصع‌پلو. حرمت زنیت مادرتون را حفظ کنین. محمد ابراهیم، خیلی ریزنکن مادر، اون وقت می‌گن خورششون فقط لپه داره و پیاز داغ.» این دیالوگ برای همه کسانی که عاشق مادرشان هستند، آشناست. دیالوگ‌های فیلم مادر علی حاتمی. امروز در این گزارش می‌خواهیم از مادر بگیم آن هم به بهانه از دست دادن دوباره مادری در سینما، احترام‌سادات حبیبیان معروف به «مامان اتی» مادر علیرضا داوودنژاد و بازیگر فیلم‌های اخیر این سینماگر که صبح دیروز به‌دلیل کپه‌وت سن و پس از یک دوره ۱۵ روزه بستری در «سی‌سی‌یو»ی بیمارستان قائم کرج، دارفانی را وداع گفت. او در فیلم‌های زیادی برای پسرش بازی کرد. مصائب شیرین اولین فیلم او بود، مادر بزرگ نوه‌هایش شد و به قول پسرش نقش بازی نکرد و خودش بود. همان مادری که در خانه بود و حالا جلوی دوربین رفته بود. بازی او در مرهم هم نقشی ماندگار در سینمای ایران شد. نقش پیرزن متمولی که در شمال زندگی می‌کند. به بهانه این اتفاق ناگوار به سراغ کسانی رفتیم که نام مادر در سینما برای‌شان ماندگار شده‌است.

زنده یاد رقیه چهره‌آزاد



«به بشقاب بکش بذار کنار مادر،

غلامرضا نصف شب گشنش

میشه. تنگم آب کن واسه

جلال الدین، برای محمد ابراهیم

زیر سیگاری بذار، مراقب باش

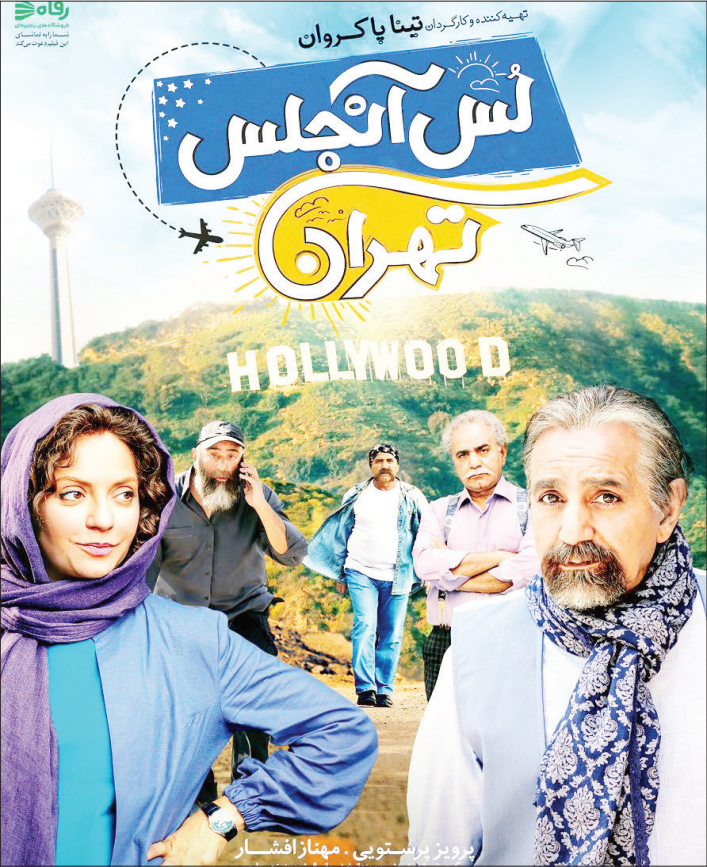
ماهنیر حکما قرصشو بخوره. بی خوابی نزنه به سرش. بین داداشتون هم چی می‌خواد مهیا کنین، سرشب بخواهین بچه‌ها که بتونین صبح زود پاشین، فردا خیلی کار دارین.» آنقدر بازی در این فیلم واقعی و ملموس بود که هر کسی بعد از دیدن فیلم تحت تاثیر قرار می‌گرفت. رقیه چهره‌آزاد، فعالیت هنری خود را از سالال ۱۳۱۰ با بازی در تئاتر آغاز کرد. سال ۱۳۴۴ در نخستین نمایش پهلوان اکبر می‌میرد در تالار «بیسنت وینچ شهرپور» نقش مادر را بازی کرد. سپس در دو فیلم از علی حاتمی بازی کرد؛ مادر و سوته‌دان. او در سال ۱۳۴۱ از انجمن دوستداران تئاتر، به مناسبت روز جهانی تئاتر، دیپلم افتخار گرفت. همچنین برای بازی در فیلم مادر، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن در ۸۱ سالگی و هشتمین جشنواره فیلم فجر به وی اعطا شد. او مسن‌ترین بازیگری است که برنده این جایزه شده است. هنگام درگذشت رقیه چهره‌آزاد، روزنامه‌ها، نقل قولی از نقش غلامرضا (اکبر عبدي) را در فیلم، در تیتَر خود نوشتند: «مادر مرد. از بس که جان ندارد.» دیالوگ‌های او در فیلم بسیار ماندگار شد و در تاریخ سینمای ایران نقش مادرانه او در فیلم مادر حک شد.

زنده‌یاد پروین دخت یزدانیان



همه کسانی که در دهه ۶۰ به دنیا آمده‌اند، پاییزهایی که از مدرسه برمی‌گشتند و پای تلویزیون می‌نشستند تا قصه‌های این نوه و مادر بزرگ را ببینند و گاهی گریه کنند و گاهی بخندند اما همیشه دل‌شان از آن کله‌جوش‌هایی می‌خواهد که بی‌بی درست می‌کرد برای مجید تا هوشش بیشتر شود یا خوردن آن گردو و کشک. بی‌بی قصه‌های مجید، مادر کیومرث پورا حمد بود و وقتی خواستند تا سریال قصه‌های مجید را بسازند، به پیشنهاد پورا احمد در این نقش بازی کرد و توانست بسیار هم موفق باشد و در دل مخاطبان جای خود را باز کند. او همچنین در بسیاری از فیلم‌های سینمایی از جمله: «مهریه بی‌بی»، «خواهران غریب»، «شرم» و «صبح روز بعد» نیز در نقش مادران مهربان، اصیل و فداکار ایرانی ایفای نقش

فرهنگ



پرس‌تویی از دیوار، به بالا رفتن معروف او در فیلم «کمال تبریزی» و

حتی صحنه‌های عاشقانه دو نفره بهروز (پرس‌تویی) و لیلندا (ماهایا پطروسیان) در این فیلم که به‌سکانس‌های عاشقانه، «ضامولک» و همسر دل انگیز (رعنا آزادی‌ور) تشبیه شد، نهایت استفاده اِبرازی از این فرم تبلیغاتی بود. اتفاقی که البته واکنش کارگردان و حتی بازیگران فیلم را در پی داشت که «برخلاف آن بالا رفتن از دیوار که عامدانه صورت گرفته است، مشابهت دیگری میان این فیلم و «مارمولک» وجود ندارد.» همین انکار، حکم «تبلیغات معکوس» را برای «لس آنجلس تهران» داشت و سبب شد تا در همه تبلیغات منفی مردمی علیه این فیلم، مخاطبان بسیاری به تماشای این فیلم بنشینند، طوری که میزان فروش این فیلم در یک ماه، از مرز ۶ میلیارد فراتر رفته است.

البته نمی‌توان از اصرار تیم تبلیغاتی فیلم بر گریم‌های چندانگانه و متفاوت پرس‌تویی گذشت: گریم‌هایی که هم در پوسترها، هم در تیزر و تبلیغات شهری فیلم مورد استفاده قرار گرفته و شاید مخاطب احساس می‌کند که این گریم‌ها در جریان کمدی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند حال آنکه عمر تمام آن گریم‌ها در فیلم، به بیش از سه دقیقه هم نمی‌رسد. خبر «۲۰۳۰» هم که جدیداً به این فیلم تاخت، یک تبلیغ ناخواسته دیگر را برای آن رقم زد که نتیجه‌اش طی روزهای آتی مشخص می‌شود.

خانم یایا

«تبلیغات معکوس» در جدیدترین ساخته «عبدالرضا کاهانی»، شکل کلاسیکی دارد. اگر کمی بیشتر، نوع انتقاد کارگردان به

به بهانه درگذشت مادر فیلم «مرهم»

مادران ماندگار سینمای ایران



مانند مادرش مدرانه بازی می‌کرد. ثریا قاسمی هم بازی در نقش‌های مختلف که نام مادر را یدک می‌کشید، می‌تواند یکی از مادران سینمای ایران باشد. اوایل دهه ۱۳۴۰ با گویندگی رادیو کار حرفه‌ای خود را شروع کرد و سپس به تئاتر رو آورد. دو سریال تلویزیونی در پناه تو و شب دهم بابازی او مخاطبان زیادی داشت. مخصوصاً بازی در شب دهم که او نقش مادر حسین یاری را بازی می‌کرد. سال۹۵ام نقش متفاوتی از او به‌عنوان یک مادر دیدیم و آن هم بازی در فیلم سینمایی ویلایی‌ها بود که توانست سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن در سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر را به دست آورد. بازی متفاوت از او در نقش یک مادری که پسرش در جنگ است و او وظیفه دارد تا عروس و نوه‌هایش را مدیریت کند.

زنده‌یاد حمیده خیرآبادی



دهه ۷۰، تلویزیون را که روشن می‌کردیم تا سریال جدیدی ببینیم، حتما حمیده خیرآبادی، پای ثابت یکی از نقش‌های آن سریال بود و حتما نقش یک مادر مهربان را ایفا می‌کرد. آن هم مادری دلسوز که نگران بچه‌هایش است، بالاخره چیده‌اندای خواهند داشت و فارغ از این آینده، حتی نگران غذا خوردن و نخوردن‌شان بود مثل مسادر واقعی، جویری در فیلم بازی می‌کرد که مخاطب لحظه لحظه را با او زندگی می‌کرد و همراه می‌شد. او با آغاز موج نو سینمای ایران و قبل از انقلاب پا به عرصه

سینما پاکی نخواهند شد.



«ممیزی» از قدیم، موتور محرکه برای مانور تبلیغاتی یک اثر بوده است. فوکوس معنادار روی بحث ممیزی یا مدت زمان توقیف ماندن یک فیلم، سبب می‌شد این مفهوم به مخاطب القا شود که مضامین مطرح شده در آن، جزء خطوط قرمز است. البته در این مسیر، تیم تبلیغاتی یک فیلم، تلاش بسیاری برای خبرسازی حول و حوش فیلم‌شان در طول مدت توقیف می‌کرد تا نام آن فیلم در ذهن مخاطب حک شود. اتفاقی که در سالیان اخیر برای فیلم‌هایی نظیر «عصبانی نیستم» یا «خانه دختر» به‌وقوع پیوست و مانور روی بحث ممیزی و توقیف، حکم بزرگ‌ترین تبلیغات برای این آثار خیلی معمولی سینمای ایران داشت.

البته برای انبوه فیلم‌هایی که از گزند ممیزی و توقیف، جان سالم به در می‌برند نیز شش‌ه‌ه‌های تبلیغاتی متفاوتی وجود دارد. آنها یا می‌توانند مانند «هزارپا» و «مصادره» روی صحنه‌های رقص و پایکوبی فوکوس کرده و با انتشار تیزرهایی از این صحنه‌ها که نه دقیقاً زیادی از فیلم را تشکیل می‌دهند و نه به فضای اثر مرتبط هستند، مخاطب را به سالن‌ها کشانده و سپس نارضاضی خارج کنند یا مانند «سعید سهیلی» به هنگام اکران «گشت ۲»، دست به کارهای تبلیغاتی نظیر آتش زدن کارت عضویت در انجمن کارگردانان خانه سینما بزنند. همیشه به یاد داشته باشیم که در افتادن با نهادهای اشخاص مختلفی که به فیلم در حال اکران، توجه چندانی نمی‌کنند، خود می‌تواند حکم تبلیغاتی خوبی برای دیده شدن فیلم داشته باشد. گسترش این روش‌های تبلیغاتی در سال‌های اخیر، باعث شده که در سینمای ایران، هر روز به حجم حواشی اضافه شود و کیفیت متن آن تحلیل‌برود.



سینما گذاشت، اوامدر ثریا قاسمی است. نام هنری او نادره و لقب اوامدر سینمای ایران بود. او پس از گرفتن دیپلم در سال ۱۳۲۶ وارد تئاتر و در سال ۱۳۳۲ با فیلم میهن پرست وارد سینما شد. او در آثار بسیاری از آثار کارگردانان مطرحی چون داریوش مهرجویی، مسعود کیمیایی و علی حاتمی بازی کرد. از مهم‌ترین فیلم‌هایی که او در آنها بازی کرده می‌توان به اجاره‌نشین‌های داریوش مهرجویی؛ زردقاری رخشان بنی‌اعتماد و از جمله سریال‌های خبرآبادی می‌توان به آپارت‌مان، پدرسالار و خانه‌سبز اشاره کرد. مادر معروف سینما ایران در طول فعالیت هنری خود، بیش از ۱۵۰ فیلم و سریال را در کارنامه خود داشت که از این نظر میان بازیگران ایرانی رکورددار بود. نقش‌های او شاید همیشه شبیه به هم بود اما هیچ‌گاه مخاطب از این نقش همیشگی مادرانه خسته نمی‌شد.

رابعه مدنی



لهجه شیرینی دارد که باعث می‌شود از همان ابتدا که شروع به حرف زدن می‌کند مخاطب را جذب کند، حس مادرانه از لحن و کلامش پیداست و ناخودآگاه می‌خواهی که دوستش داشته باشی. همدانی است. به‌مدت ۳۰ سال معلم پیش‌دستانی و کارمند آموزش و پرورش بود، بعد از بازنشستگی وارد عرصه بازیگری شد، دو پسر و یک دختر دارد، تندیس حافظ بهترین بازیگر زن را برای بازی در فیلم «برف» در کارنامه دارد. مدنی از کودکی به سینما علاقه داشت. وقتی که امیرشهاب (رضویان) پسرش به سمت حرفه کارگردانی رفت برای پایان‌نامه، الزام به ساخت فیلم بود. رابعه مدنی به‌نوعی به پسرش کمک می‌کرد. البته بازیگری هم به‌صورت افتخاری انجام می‌داد. او در سریال‌هایی نظیر «وضعیت سفید»، «بوسیدن روی ماه» و «پایتخت ۲» بازی کرده است.

ترانه علیدوستی

سن و سالش به مادران سینما که تا به حال گفته‌ایم نزدیک نیست و حتی خیلی هم دور است، اما با نقشی که در اولین فیلمش بازی کرد می‌توان به‌عنوان یکی از جوان‌ترین مادران سینمای ایران از او نام برد. او در این فیلم که یک فیلم اجتماعی بود بسیار توانست از پس نقش مادرانه خود بریاید که هنوز سال‌ها بعد از بازی کردن در این نقش از او به‌عنوان یک مادر کوچک در سینما نام می‌برند. آن هم به خاطر تلاش‌هایی که برای نگهداشتن فرزندش در فیلم انجام می‌دهد به‌رغم همه ته‌مته‌هایی که به‌او زده می‌شود اما باز از مادرانه‌هایش دست نمی‌کشد و می‌خواهد فرزندش را حفظ کند اگر چه که زندگی اش حفظ نشده‌است.